



۲۵ جون، ۲۰۲۶

مرحوم مصطفی عمرزی

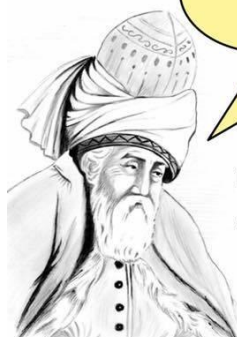
انوع لهجه ها



از زبان مولانا (بلی بگوئید نه بله)



باز گردد عاقبت این در بلی
رو نماید یار سیمین بر بلی
ساقی ما یاد این مستان کند
بار دیگر با می و ساغر بلی



در گفتار و نوشتار روزمره، خصوصاً
نزد کسانی که مدتی در ایران بوده و یا
آنجا درس خوانده اند، استفاده « بله »
بجای « بلی » روزافزون شده است.
مکن تو دور ز خود این در قشنگ دری !



حسیب فضل

زبان ملی دری، شبیه تمام زبان ها، تنوع لهجه یی دارد. چنانی که زبان ملی پشتو با لهجه های مختلف، نه فقط معرف فرهنگ هاست، بل تنوع آن، جذابیت هایی ایجاد می کند که در زمان افاده، می توانند تامل برانگیز باشند.

در لهجه ها غنای زبانی- ادبی به قدری ست که شبیه یک فرهنگ کامل زبان، تعدد دارد. فرهنگ لغات عامیانه ی مرحوم احمد شاملو (کتاب کوچه) در دری معمول در ایران، معرف تنوع و هم غنای لهجه یی ست.

جالب این جاست که در زمینه ی تنوع لهجه یی زبان دری، لغاتی استعمال می شوند که گاه با صورت معمول آن ها در زبان دستوری، تفاوت دارند. مثلاً گل (اسم و صفت) در تلفظ عامیانه

ی دری با اعراب پیش/ ضمه به معنی خاموش کردن نیز استفاده می شود. در این باب، مثال های زیادی وجود دارند که می توان روی آن ها بحث کرد. در زیر، در یک اقتباس، صورت طنزی این افاده را آورده ام که می تواند ذهنیت خواننده را وسعت ببخشد. البته چنین مواردی، با قریحه و ذوق افراد نیز پیوند دارند. کاظم کاظمی در کتاب «همزبانی و بی زبانی» از خلاقیت های اجتماعی دری زبانان ما زیاد آورده که چه گونه برای بعضی مصنوعات خارجی، نامگذاری ها کرده اند. مانند مرکزگرمی، آبجوشی و غیره. در جرگه های ما، همیشه افرادی وجود دارند که فکاهی/ لطیفه تعریف می کنند و

و هرگز نشنیده‌اند. «این جا(در قلات غلزی) میان سرور خان گویا و پروفیسور هادی، بحثی پیرامون برتری و بهتری دری ایرانی و دری افغانی آغاز شد. این گفت و گو، خیلی شیرین بود. پروفیسور هادی از مداحان دری ایرانی بود و گویا(سرور خان) زبان مادری خود یعنی دری افغانی را می ستود.

گفت و گو به طول انجامید. گویا، مدعی بود که دری در اصل، زبان ما افغان هاست و ما در عهد سامانیان در بخارا آن را بنا نهاده ایم و در غزنی به وسیله شعرای غزنی، آن را رشد و ارتقاء داده ایم. از رودکی گرفته تا غضایری، عسجدی، اسدی، فیضی، فردوسی، عنصری، سلمان و سنایی، همه از ما بودند. ادبیات دری، عبارت است از سعی و تلاش شعرای مذکور در عرصه های شعر و سخن؛ اما پروفیسور هادی، متوسل به سعدی، حافظ و شعرای متاخر دری زبان بود.

سرور خان گویا، زبان تکلم ایرانیان را به قدری مورد انتقاد قرار داد که ما- از بس که خندیدیم- خسته شدیم. سرور خان گویا گفت: ما مردم افغانستان اگر بخواهیم از شما تشکر کنیم، می گوئیم «تشکر و سپاس!» مانند ایرانی ها از چرب زبانی کاذب مانند «به جان شما، به سر شما و قربانت شوم»، استفاده نمی کنیم.

سرور خان گویا در باره ادبیات جدید دری که در ایران و افغانستان، رواج دارد، گفت: ما افغان ها ادبیات جدی، سنجیده و متعلق به واقعیت های ملموس زنده گی را رشد و ارتقاء بخشیدیم، اما ایرانی ها فقط ادبیات تفریحی را رونق داده اند.

در پایان که لهجه، موضوع بحث قرار گرفت، سرور خان گویا گفت: ایرانی ها لفظی را که در آخر آن الف و نون باشد، با واو(و) و نون(ن) تلفظ می کنند. یعنی اصطلاح «همان» را «همون» و «آن» را «اون» تلفظ می کنند. سرور خان با عصبانیت گفت: آقا! آیا «دوکان شما دوکون و زبان شما زبون»، صحیح است؟ همه حاضرین با صدای بلند، قهقه زدند. (سفرنامه افغانستان،

سید سلیمان ندوی، نشر غلام حسین جهان تیغ، چاپ اول، زاهدان- جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲ش)

خاطرات مردم ما از زنده گی در کشور های همسایه در میان خوشی ها و غم ها، وقتی در زمینه ی اشتراکات زبانی بوده باشند، در تاجکستان و ایران هم مملو از مواردی هستند که سعی کردم با یک نمونه ی طنزی نیز تبیین کنم.

در حالی که هیچ میانه ای با منطق سخیف سه زبانه بودن دری، فارسی و تاجکی نداریم، زیرا در زمینه ی تفاهم، در حد بالای دستور زبان و هم گفت و گو، تاجکستانی ها و ایرانستانی ها را می شناسیم و در تبادل فرهنگی، همه از نشراتی استفاده می کنیم که با الفبای عربی، انتشار یافته اند، اما تنوع لهجه ها به خصوص در قسمت نام ها، حتی دشواری افاده را به وجود می آورد. در ایران، به بادنجان رومی یا رومی، گوجه یا گوجه ی فرنگی می گویند. گرچه رومی آن با فرنگی، هم معنایی هایی دارد. همین گونه پشک را گربه و مختصات لهجه یی تاجکستانی نیز مشهور است. در این زمینه، تداخل زبانی را هم باید ملاحظه کرد؛ زیرا بسیاری از آن نام ها ممکن است نه به دلیل تفاوت لهجه ها، بل به اثر رواج کلمات از زبان های دیگر باشد. دری در ایران که دورتر از مرکزیت آن (دو سوی ماوراءالنهر) قرار دارد، از زبان های اقوامی هم متاثر است که در افغانستان و تاجکستان، وجود ندارند.

در افغانستان، تنوع لهجه یی دری که با زبان های اقوام، عجین شده، گاهی درک آسان را مشکل می سازد. در مناطق مرکزی که زبان دری، از اصالت های فرهنگی قوم محترم هزاره ی ما متاثر شده، تنوعی دارد که اگر از فرهنگ های محلی، استعانت نگیریم، معنی بعضی کلمات آن آسان نیست. در این رابطه، همچنان مقوله ی «گویش» را مطرح می کنند که با مقوله ی لهجه، تفاوت دارد.

با آن که تعاریف معمولی از لهجه ها وجود دارند و آن ها را انواع آوایی غیر هم آهنگ هم می دانند که با وارد شدن در قاموس اقوام، به دلیل پالایش و سهولت هایی که ساختار های فونیمیک ایجاد می کنند، متغیر می شوند، اما تفاوت های آن ها، به خصوص در زبان دری یا زبان هایی که دو گونه گی کاربرد دارند (گفتار و نوشتار دستوری و گفتار و نوشتار عامیانه) نیازمند توضیحات بیشتر هستند.

یادآوری:

به خاطر سهولت خواننده ی افغان، اقتباس بالا را کمی تصحیح کرده ام؛ زیرا مترجم آن ایرانستانی/ ایرانی ست.

پایان